

مطالعه کیفی در ذهنیت جوانان از آینده با استفاده از روش تحلیل لایه‌ای علی

محسن طاهری دمنه^۱
علی ذاکری^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۶/۳۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۷/۲۰

آینده قابل پیش بینی نیست، اما مطالعه ذهنیت افراد نسبت به آینده امکان پذیر است. ذهنیت فرد نسبت به آینده خودش و آینده جامعه، مبنای تصمیم گیری اوست و از این جهت بررسی نظام مند تصاویر ذهنی از آینده به خصوص در میان جوانان که مالکان اصلی آینده هستند، موضوع مهمی است. در این راستا، پژوهش حاضر به عنوان یک پژوهش بنیادی که در سنت پژوهش های کیفی انجام شده است، به بررسی تصاویر آینده جامعه ایرانی در ذهن جوانان تحصیل کرده کشور پرداخته است. داده های تحقیق با استفاده از مصاحبه های نیمه ساختاریافته جمع آوری و با استفاده از روش های تحلیل مضمون و تحلیل لایه ای علی تحلیل شده اند. نتایج پژوهش نشان می دهد که تصاویر آینده در بین مشارکت کنندگان، از هفت مضمون اصلی ساخته شده اند که به ترتیب عبارت اند از: ۱. وزن زمان حال؛ ۲. حسرت ها، عجزها و نداشتها؛ ۳. فهم آینده؛ ۴. سایه جامعه؛ ۵. در راهی که دیگران قدم گذاشته اند؛ ۶. آثار تاریخی به جای مانده از گذشته؛ ۷. حدس هایی درباره آینده. برای فهم عمیق تر ذهنیت مشارکت کنندگان با استفاده از روش تحلیل لایه ای علی، در هر لایه بنابر ماهیت همان لایه، مضامین اصلی و فرعی بازخوانی شدند و گزاره های اصلی آنها به دست آمد. نتایج پایانی نشان داد که ذهنیت جوانان از آینده، مقوله ای پیچیده و چند بعدی است و برای اثرگذاری بر روی آن نیاز به برنامه ریزی منسجم و کار فرهنگی عمیق است.

واژگان کلیدی: جوانان، آینده پژوهی، تصاویر آینده، پژوهش کیفی و تحلیل لایه ای علی

۱. دکترای آینده پژوهی، استادیار، گروه آینده پژوهی، دانشکده علوم و فناوری های نوین، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: M.taheri@ast.ui.ac.ir

۲. دکترای آینده پژوهی، استادیار، گروه آینده پژوهی، دانشکده علوم و فناوری های نوین، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

مقدمه

بخش زیادی از آنچه جوانان از آینده فهم می‌کنند، ریشه در تصاویر ذهنی آن‌ها از آینده دارد. در نتیجه، تصاویر آینده می‌توانند بر زندگی و سرنوشت آن‌ها تأثیر بگذارند. آینده واقعی، وقتی که سرانجام به حقیقت بپیوندد، از عناصری که در انتظارات قبلی ما وجود داشته‌اند، تشکیل شده است. می‌توان آینده را به عنوان تجسم نتایج کنش‌ها و انتخاب‌های حال ما دید، اما باید اذعان داشت که رفتار کنونی ما که آینده را شکل می‌دهند، خود متأثر از تصاویر ساخته شده در ذهن ما از آینده‌اند. بنابراین، اهمیت تصاویر و ذهنیت افراد و اجتماعات نسبت به آینده، همسنگ اقدامات کنونی آن‌هاست.

باور به این عقیده که تصاویر آینده به شکل‌گیری اقدامات تاریخی افراد کمک کرده‌اند، یک وجه نظری در مطالعات آینده است. به تعبیر روشن‌تر، افراد یا تلاش می‌کنند خود را با آنچه گمان می‌کنند روی خواهد داد، سازگار کنند یا به گونه‌ای رفتار می‌نمایند که آینده دلخواه خود را بسازند. از این رو، هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل عمیق تصاویر آینده در ذهن جوانان با استفاده از روش تحلیل لایه‌ای علی است.

به زعم بل^۱، مهمترین و بنیادی‌ترین پرسش‌های پژوهشی آینده پژوهان، مواردی این چنینی‌اند: تصویرهای آینده چه ماهیتی دارند؟ علل پیدایش آن‌ها چیست؟ و هر یک، چه پیامدهایی دارند؟ (بل، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۳). پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ‌های موجه به سوالات بالا در مورد جامعه ایران است.

مبانی نظری پژوهش

نیاز و تمایل به درک و شناخت آینده، یکی از ویژگی‌های متمایز انسان‌ها است. (Rubin, 2013) برنامه‌ریزی و تعیین هدف بدون داشتن چشم انداز از آینده امکان پذیر نیست. (Slaughter, 1991) بولدینگ^۲ (۱۹۵۶) معتقد است خلاصه وضعیت بشر حاصل تمامی تجربیات انسان از گذشته تا اکنون است، اما تصمیمات انسان به آینده مربوط می‌شود. بنابراین تصویری که انسان نسبت به آینده دارد، عاملی کلیدی برای تصمیم‌گیری‌های اوست. همان‌گونه که ژوونل^۳ (۱۹۶۷) بیان می‌کند، بخشی از آینده قابل کنترل است و انسان می‌تواند بر روی آن تأثیرگذار باشد و انسان آگاه و صاحب قدرت می‌تواند آن آینده را از طریق اقدام‌های خود بسازد. آینده توسط مقاصد^۴ و اقدامات افراد ساخته می‌شود. (Ono, 2005) از نظر دیتور^۵ (۲۰۱۴) نیز آینده از برهم کنش چهار مولفه رویدادها^۶، روندها^۷، تصاویر^۸ و اقدام‌ها^۹ پدید می‌آید. بنابراین افراد در طراحی و انتخاب مسیرهای پیش رو نه تنها به بررسی و ارزیابی اتفاقات و رویدادهای گذشته، بلکه به بررسی آن چیزی که احتمال دارد در آینده اتفاق بیفتد، می‌پردازند. این احتمالات همان تصاویر آینده هستند. (Ono, 2003) تصاویر آینده، حق انتخاب‌ها

1. Wendell Bell
2. Boulding
3. Bertrand de Jouvenel
4. intention
5. Jim Dator
6. Events
7. Trends
8. Images
9. Actions

و احتمالاتی را ارائه می دهند که می توانیم از بین آنها انتخاب کنیم یا در مورد آنها به بحث و تبادل نظر بپردازیم. (Slaughter, 1991) این تصاویر یک خودآگاهی جمعی فراهم می آورد که به انسان کمک می کند، رفتار، هویت و تصمیم های خود را شکل دهد (Taheri Demneh & Morgan, 2018). پولاک^۱ (۱۹۷۱) به عنوان یک ایده آل گرای تاریخی مدعی است که «ایده یا اندیشه» بخصوص اندیشه های معطوف به آینده، محرک های اصلی تاریخ هستند که نوع بشر را به قلمروی جدیدی هدایت می کنند. از این رو، تصاویر آینده جایگاه قابل توجهی در حوزه آینده پژوهی به خود اختصاص داده است. آینده پژوهان بر این باورند که تصاویر آینده به شکل گیری اقدامات تاریخی افراد کمک می کنند. افراد یا تلاش می کنند خود را با آنچه گمان می کنند روی خواهد داد، سازگار کنند یا به گونه ای رفتار می کنند که آینده دلخواه خود را بسازند. (Bell, 1997) بر اساس نظر دیتور، آینده پژوهی درصدد کمک به افراد است تا اقدام های کنونی خود را از حد کوشش های صرفاً منفعلانه فراتر برده و بکوشند تا آینده را پیش بینی و سپس بر اساس پیش بینی ها طرح های عملی خود را به اجرا درآورند. بنابراین، تصاویر آینده در سطح فردی می تواند حس درک و کنترل آینده را برای افراد فراهم آورد و به عنوان بخش مهم و تاثیرگذار سیستم باور آنها عمل نماید. (Son, 2013) در سطح اجتماعی نیز ویژگی و کیفیت تصاویر حاکم بر ذهنیت انسان های یک جامعه نسبت به آینده آن جامعه، مهم ترین عامل پیشرفت و تحول آن جامعه است. (Boulding, 1956) زمانی که تصویری مثبت و آرمان گرایانه از آینده وجود داشته باشد، قدرت تغییر در جامعه ایجاد خواهد شد، چرا که افراد به این باور می رسند که آینده ای بهتر از گذشته و حال وجود دارد که آنها قادر هستند به آن دست یابند. (Bell, 1997) طبق نظر پولاک، رابطه نزدیکی بین تصاویر آینده و شکوفایی فرهنگی وجود دارد. زمانی که جامعه ای تصاویر منفی از آینده دارد، فرهنگ آن فرومی پاشد، اما تصاویر مثبت از آینده، نگرش های افراد جامعه را به سمت آینده جلب نموده و اقدامات آنها برای تاثیرگذاری بر آینده و به واقعیت تبدیل نمودن آن را هدایت می کند. (Son, 2013) بنابراین می توان ادعا کرد که فهم تغییرات اجتماعی مستلزم درک تصاویر آینده به عنوان نقشه های راه در دسترس و چگونگی انتخاب این تصاویر توسط افراد است. (Aligica, 2011) از آنجا که قشر جوان هر جامعه نیروی محرکه آن جامعه محسوب می شود و آینده آن جامعه به آنها بستگی دارد، بررسی و درک تصاویر آنها از آینده پیش رو می تواند به تحلیل جامعه و سیاستگذاری کلان در سطح جامعه کمک شایانی نماید، چرا که تصاویر آینده به عنوان ارزش های درونی انتظارات، معنایی قوی برای جوانان در آمادگی آنها برای رو به رو شدن با فضای احتمالات آینده، درک آن ها از اهداف و در انتخاب ابزار برای دستیابی به این اهداف دارد. در واقعیت در حال تغییر امروز، برای جوانان گزینش ابزارهای مفید و منطقی که با آن به هدف خود نائل شوند، آسان نیست. این موضوع بر اهمیت درک تصاویر جوانان از آینده و استنباط آن تصاویر تاکید می کند تا بتوان آن ها را تحلیل و اگر لازم شد، اصلاح کرد. (Rubin, 2013) فهم تصاویر آینده مرتبط با جوانان نه تنها منجر به شناخت بهتر آینده های محتمل مربوط به آنها می شود، بلکه اطلاعات قابل توجهی در مورد انگیزه های فعلی، تصمیمات و انتخاب های آنها به دست می دهد. (Kaboli & Tapio, 2017) مطابق آنچه گفته شد هدف از این پژوهش، بررسی تصاویر آینده در ذهن جوانان ایرانی و درک این تصاویر است، چرا که شناخت این تصاویر به آینده پژوهان این امکان را می دهد که در صورت نیاز برای تغییر یا اصلاح آن ها به سمتی دیگر، رهنمودهای لازم را ارائه دهند.

پیشینه پژوهش

رضایان قیه‌باشی و کاظمی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای به بررسی تصویرپردازی و کلان‌تصاویر آینده سیاست جهانی پرداختند و هشت کلان‌تصویر ارائه شده برای آینده جهان، آثار، پیامدها و نقدهای وارد شده بر آنها را بررسی نمودند. دنیای بدون مرز، دنیای سراسر دموکراسی، تضاد و جنگ تمدن‌ها، قرن چینی، رشد جامعه بین‌الملل، ترقی و پیشرفت بخش‌های جنوبی جهان، فاجعه زیست‌محیطی و در نهایت به سوی دموکراسی جهان‌وطنی، هشت کلان‌تصویر مطرح برای آینده جهان هستند که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفتند.

طاهری دمنه و همکاران در مقاله‌ای به بررسی نقش تصاویر آینده در فرایند ساخت هویت اجتماعی پرداخته‌اند. در این مقاله خوانش جدیدی از مفهوم هویت با عنوان هویت مقصد معرفی شده است. هویت مقصد به عنوان هویتی که بر اساس تصاویر مشترک از آینده ایجاد می‌شود، معرفی شده و تأکید شده است که برای ساختن این هویت به مشارکت حداکثری آحاد جامعه نیاز است. (طاهری دمنه و همکاران، ۱۳۹۴)

طاهری دمنه در مقاله‌ای دیگر به بررسی بن‌مایه‌های سازنده تصاویر آینده پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ماهیت اکثر بن‌مایه‌های سازنده تصاویر آینده ناظر بر این فرضیات است که تصاویر آینده ارتباط عمیقی با تجربه زیست‌مشارکت‌کنندگان در گذشته و حال داشته و آن‌ها توانایی کمی برای روی‌پردازی از یک آینده مطلوب و ایجاد گسست در وضعیت موجود و حرکت به سمت یک آینده مطلوب دارند. (طاهری دمنه، ۱۳۹۷)

در میان محققان خارجی، فردال پولاک را می‌توان اولین نفری دانست که در دوران معاصر درباره تصویرسازی آینده به انتشار دیدگاه‌های خود پرداخته است. او معتقد است تمدن امروزی بشر به جای حرکت کردن، از ترس منفعل شده و توانمندی خود را برای ترسیم آینده به واسطه نوعی بدبینی گسترده نسبت به آن از دست داده است. از نظر پولاک تمدن این عصر، عملاً هیچ چشم‌انداز چالش‌برانگیزی فراتر از ثروت و قدرت فناوری ندارد. پولاک معتقد است که تنها نقطه امید برای احیای این تمدن، گسترش افق‌های فکری جدیدتر در جامعه و تلاش برای شکل دادن به یک جامعه بهتر است. (پولاک، ۱۹۷۳)

آنو در پژوهشی به بررسی تفاوت میان جوانان آمریکایی و تایوانی از منظر تصاویر آینده می‌پردازد. او با اذعان به اهمیت مسئله شناخت ذهنیت جوانان به عنوان آینده‌سازان جامعه و بررسی عوامل موثر بر ساخت این ذهنیت‌ها، این تصاویر را از جهات گوناگون بررسی می‌کند و رابطه بین تصاویر آینده و برداشت از زمان حال و نیز ارزش‌های نهفته در این تصاویر را مورد مذاقه قرار می‌دهد. (آنو، ۲۰۰۳)

آنو در مقاله‌ای دیگر که در نشریه «آینده پژوهی» به چاپ رسیده است، ضمن بررسی شاخصه‌های اجتماعی تأثیرگذار بر روی تصاویر آینده در بین جوانان ژاپنی، بر آن است که خانواده، بازار، مدرسه و جامعه هر کدام تأثیر ویژه‌ای بر آینده دارند. او در این مقاله، کمابیش از روش تحلیل لایه‌ای علی به منظور بررسی تصاویر آینده استفاده می‌کند. در سطح لیتانی این تحلیل، سه مورد مشخص وجود دارد: تلاش کم در راستای ساختن آینده، عدم شناخت خود و دانش کم درباره جامعه. (آنو، ۲۰۰۵) در نهایت برخی نتایج مطالعه آنو با نتایج مطالعه حاضر همخوانی داشتند.

ویونلر^۱ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان «فراتر از مناقشات اجتماعی و اقتصادی: تصاویر اسطوره‌ای از آینده شهرها» به بررسی جایگاه تصاویر آینده در مقولات مربوط به شهر، شهرسازی و معماری پرداخته است و توانایی بشر در توسعه تصاویر آینده شهرها را عمدتاً وابسته به سواد بصری^۲ آنها می‌داند. او با به کارگیری مفاهیم تصاویر، کهن الگوها، اسطوره‌ها و آینده‌های بدیل، چهار سناریوی محتمل را برای شهرها استخراج می‌کند. دنیس مورگان^۳ به عنوان یکی از کسانی که تحقیقات زیادی در زمینه تصویرسازی آینده انجام داده است، در مقاله‌ای تاثیرگذار و خواندنی، با تاثیرپذیری از تحقیقات گلن پیج^۴ در مورد امکان پذیری تحقق جهان بدون جنگ یا به طور کلی جهان بدون خشونت، با بررسی تاریخ، باستان‌شناسی و شواهد انسان‌شناسی، بروز جنگ را یکی از الزامات تمدن‌ها دانسته و معتقد است در عصر مدرن با دستیابی بشر به سلاح‌های مرگبارتر و ویران کننده‌تر، همان الگو تشدید شده است. با وجود این، او به دنبال این سوال است که آیا تمدن‌های مدرن و به دنبال آن پست مدرن، می‌توانند تصاویر مربوط به آینده بدون جنگ را محقق سازند؟ او در پاسخ به این سوال، نقش تفکر پست مدرن را برجسته می‌کند و راه رسیدن به آینده بدون خشونت را در ترویج این فکر می‌داند که باید پارادایم یا انگاره ذهنی امپراتوری جهانی^۵، به انگاره ذهنی انجمن زمین^۶ تبدیل شود. (مورگان، ۲۰۱۲)

هافمن (۲۰۱۲) به واکاوی تصاویر آینده کشور چین با استفاده از روش تحلیل لایه‌ای علی می‌پردازد. در این مطالعه با تکیه بر تصویرپردازی در فضای روابط بین الملل، بر روی دو تئوری «خطر چین» و «رشد صلح آمیز» تمرکز و نشان داده شده که هر دو تئوری در مسیر خود حامل مشکلاتی هستند. هافمن پیشنهاد می‌کند که برای بررسی دقیق‌تر آینده چین به استفاده از ابزارهای پیچیده‌تری نیاز است و بدین منظور روش تحلیل لایه‌ای علی را به کار می‌گیرد. او با استفاده از روش تحلیل لایه‌ای علی هر دو تئوری را تجزیه و تحلیل می‌کند و در هر چهار لایه این روش، عناصر اصلی را استخراج می‌نماید.

سون (۲۰۱۳) در مقاله‌ای به بررسی تصاویر آینده در کره جنوبی می‌پردازد. او دوره مورد مطالعه خود را به دو دوره پیشامدرن و مدرن تقسیم کرده و معتقد است که در دوره پیشامدرن تصاویر آینده عمدتاً متأثر از فرهنگ کنفوسیوسی و دوران طلایی چین باستان است. در حالی که در دوران مدرن، پنج تصویر شاخص از آینده برای کره جنوبی وجود دارد: ۱- تبدیل شدن به یک کشور پیشرفته و توسعه یافته؛ ۲- مباحث آخرالزمانی؛ ۳- یکپارچگی و انسجام ملی؛ ۴- جامعه پیشرفته اطلاعاتی؛ ۵- چشم انداز فمینیستی.

مورگان در مقاله اخیر خود که در نشریه فیوچرز به چاپ رسیده است، به دیالکتیک بین تصاویر آینده و ایده پیشرفت می‌پردازد. مورگان در این مقاله نظرات پولاک، مانهایم و پوپر را مورد مذاقه قرار می‌دهد و ضمن بیان تاریخچه و پیشینه این نظریات، نقاط ضعف آنها را بر می‌شمارد و در نهایت یک تصویر نو برای دوران جدید ارائه می‌دهد. این تصویر، «توسعه پایدار جهانی» نام گرفته است. از نظر مورگان، این تصویر با شرایط و

1. Cynthia Frewen Wuellner

۲. سواد بصری به معنای فهمیدن معنای تصویر، یکی از مهارت‌های مهم انسانی در فهم و ترجمه تصویر است. البته این درک عموماً از نوع آگاهانه است و گونه‌های مختلف بازنمایی تصویری و قواعد بصری برای درک عملکرد و معنی آنها، در حیطه دانش سواد بصری قرار می‌گیرد.

3. Dennis Ray Morgan

4. Glenn Paige

5. Global Empire

6. Earth Community

ویژگی‌های دنیای جدید همخوانی دارد. (مورگان، ۲۰۱۵)
کابلی و تاپیو (۲۰۱۷) به بررسی عناصر سازنده تصاویر آینده در ذهن گروهی از دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد در فنلاند پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که جوانان تمایل دارند آینده را در چارچوب وضعیت زمان حال تحلیل کنند.

روش‌شناسی پژوهش

از منظر هدف، پژوهش حاضر یک پژوهش بنیادی است و از آنجایی که در حوزه علوم اجتماعی انجام می‌شود، باید روشی متناسب با این حوزه اتخاذ کرد. آنچه متناسب با طرح مسئله این تحقیق است، روش کیفی می‌باشد. موضوع پژوهش کیفی می‌تواند زندگی اشخاص، تجربه‌های زندگی، رفتارها، هیجان‌ها، احساس‌ها و نیز کارهای سازمانی، جنبش‌های اجتماعی، پدیده‌های اجتماعی و تعاملات میان ملت‌ها باشد. (استراوس و کریبن^۱، ۱۳۹۴)

روش اصلی تجزیه و تحلیل در تحقیق حاضر، روش تحلیل لایه‌ای علی^۲ است. تحلیل لایه‌ای علی یک روش و نظریه تحقیقاتی جدید است که به دنبال ترکیب و یکپارچه‌سازی دیدگاه‌های تجربی، تعبیری، انتقادی و یادگیری حین عمل است. کاربرد آن به‌عنوان یک روش به معنای پیش‌بینی^۳ آینده نیست، بلکه به معنای ایجاد فضاهای متحول‌ساز برای خلق آینده‌های بدیل^۴ است و احتمالاً در توسعه یک سیاست مؤثرتر، عمیق‌تر، جامع‌تر و بلندمدت‌تر مفید است. تحلیل لایه‌ای علی شامل چهار سطح است: لیتانی^۵، علل اجتماعی، گفتمان/جهان‌بینی و اسطوره/استعاره.

سطح نخست یعنی لیتانی، دیدگاه بدون پرسش و معمول واقعیت است. سطح دوم، سطح علت‌های اجتماعی و دورنمای نظام‌مند است. دادها و اطلاعات لیتانی در سطح دوم شرح داده می‌شوند و مورد پرسش قرار می‌گیرند. سطح سوم، گفتمان یا جهان‌بینی است. در این سطح فرض‌های عمیق‌تر، استدلال‌ات، جهان‌بینی و ایدئولوژی مشخص می‌شوند. در این سطح می‌توان به اکتشاف این امر پرداخت که چگونه ذینفعان مختلف، لیتانی و نظام را می‌سازند. سطح چهارم، سطح اسطوره و استعاره‌هاست که ابعاد احساسی ناخودآگاه را بیان می‌دارد. چالش فراروی تحلیل لایه‌ای علی، پژوهش و حرکت در این لایه‌های تحلیل و در نتیجه در برگرفتن شیوه‌های مختلف دانستن است. انجام این کار منجر به خلق آینده‌های بدیل معتبر می‌شود. روش تحلیل لایه‌ای علی با طرح پرسش از آینده آغاز می‌شود و با همین پرسش خاتمه می‌یابد. (عنایت‌الله، ۲۰۰۷)

1. Anselm L. Strauss and Juliet M. Corbin
2. Casual Layered Analysis (CLA)
3. Predicting
4. Alternative futures
5. Litany



نمودار ۱: چارچوب تحلیل لایه‌ای علی (عنایت‌الله، ۲۰۰۷)

گفتنی است که تحلیل لایه‌ای علی در اینجا یک چارچوب کلی برای نظم دادن به روند مطالعه و در نهایت عمق بخشیدن به فرایند تحلیل داده‌های خام است، اما مرحله نخست تحلیل داده‌های خام، با استفاده از روش تحلیل مضمون (تحلیل تم) صورت گرفت. استفاده از مطالعات کیفی به ویژه روش تحلیل تم، زمانی ضرورت پیدا می‌کند که اطلاعات اندکی در مورد پدیده مورد مطالعه وجود داشته باشد و یا در مطالعات و تحقیقات انجام شده پیرامون موضوع مورد نظر، فقدان یک چارچوب نظری که به صورتی جامع به تبیین موضوع بپردازد، مشهود باشد. علی‌رغم مطالعات و تحقیقات قابل قبول در حوزه تصاویر آینده، پژوهش‌های اندک و پراکنده‌ای در مورد عوامل شکل دهنده به تصاویر انجام شده است. لذا نبود یک چارچوب نظری جامع، محققان پژوهش حاضر را بر آن داشت تا یک چارچوب نظری متناسب با فرهنگ ایران را توسعه دهند. همچنین، ابزار جمع‌آوری داده در این پژوهش مصاحبه است. با توجه به نوین بودن تحقیقات درباره تصاویر آینده در ایران، تصمیم گرفته شد که در این تحقیق از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با تأکید بر رویکرد اکتشافی استفاده شود. مشارکت کنندگان در این پژوهش، دانشجویان تحصیلات تکمیلی بودند که با آنها مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شد. در نهایت پس از هفده مصاحبه، جمع‌آوری داده‌ها به مرحله اشباع نظری رسید. مصاحبه شامل سؤالاتی درباره ترس‌های آینده، دغدغه‌های فرزندآوری و آموزش به آنها، سبک زندگی، شغل و درآمد، آرزوها، توانایی تاثیرگذاری بر آینده، آرمان‌شهرگرایی و انتظار بهترین و بدترین اتفاق در آینده می‌شد.

یافته‌های پژوهش

در جدول ۱ نتایج حاصل از انجام تحلیل تم آمده است. هر کدام از مصاحبه‌ها چندین بار مطالعه و کدهای اولیه از آن‌ها استخراج گردید. گاهی برای انتقال بهتر موضوع، کدهای اولیه به صورت استعاری بیان شده‌اند. در نهایت ۳۰ تم فرعی شناسایی شده در قالب ۷ تم اصلی باز آرای شدند.

جدول ۱: مضامین اصلی و فرعی حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها^۱

ردیف	دورنمایه (تم اصلی)	طبقات (تم فرعی)
۱	آثار تاریخی به جای مانده از گذشته	گذشته راه آینده است
		همینی که هست
		مثل مادرم برای فرزندم
		پایبند به خانواده
		اصولی پایدار با جزئیاتی متفاوت
۲	در راهی که دیگران قدم گذاشتند	تحصیل و باز هم تحصیل
		کارخانه یا دانشگاه
		مهاجرت
۳	وزن زمان حال	عصر اسطوره‌های ورزشی
		نگرانی در مورد محیط زیست
		قدرت در سیاست
		زنان روی نیمکت جلو
		اقتصاد راه خود را می‌رود
		اقتصاددانان همه چیز دان
		همه نگرانند
۴	حسرت‌ها، عجزها و نداشته‌ها	آرامش، سلسله‌ای از روزهای خوش
		جامعه هیپی
		وطنم؛ پاره تنم
		معمولی‌های قهرمان
		ترس‌ها = از دست دادن‌ها
		من مهم هستم، نه دیگران
۵	سایه جامعه	فصل آخر کمی تأمل
		همه برابرند، جامعه برابرتر
۶	حدس‌هایی درباره آینده	تشکیل خانواده
		احساس فناوری
		مفهوم علم و دانشگاه
		لا اکراه فی اعتقادات
		خانواده نه خوابگاه
۷	فهم آینده	آینده ساختنی است
		نزدیک نه، ولی خیلی دور

۱. این لفظ از آن جهت انتخاب شد که به دلیل کاربرد زیاد در رسانه‌ها، به گوش‌آشناست و تداعی‌کننده مفهومی است که مدنظر محقق می‌باشد.

نتایج نهایی حاصل از تحلیل مضمون در شکل ۱ آمده است.



شکل ۱: تم‌های اصلی سازنده تصاویر جوانان از آینده

اولین تم اصلی «آثار تاریخی به جای مانده از گذشته» نام گرفت. این تم از پنج تم فرعی ساخته شده است که عمده‌ترین آنها تم فرعی «گذشته راه آینده است» می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تمامی تم‌های فرعی سازنده این تم، تصاویر آینده را به گونه‌ای به گذشته پیوند می‌دهند. به عبارت دیگر، این تم مشخص‌کننده نقش گذشته در ساخت تصاویر آینده است. دومین تم اصلی، «در راهی که دیگران قدم گذاشتند» نام گرفت. این تم از سه تم فرعی با نام‌های «تحصیل و باز هم تحصیل»، «کارخانه یا دانشگاه» و «مهاجرت» تشکیل شده است. وجه تشابه تم‌های فرعی در اینجا سهم همسالان است. در واقع، ادامه تحصیل، مهاجرت و کار در کارخانه یا دانشگاه، بیشتر از آن که یک نیاز درونی یا یک فشار بیرونی بر فرد باشند، جنبه تقلید و عقب‌نماندن از قافله را دارند. سومین تم اصلی، «وزن زمان حال» نام گرفت. هفت تم فرعی تشکیل‌دهنده این تم همگی به نوعی تصاویر آینده را به مسائل جاری در زمان حال ارجاع می‌دهند. چهارمین تم اصلی، «حسرت‌ها، عجز‌ها و نداشته‌ها» نام گرفت. این تم اصلی از هفت تم فرعی ساخته شده است. ماهیت این تم بیشتر مربوط به شخصیت افراد است. به عبارت دیگر، تفسیر این تم و تم‌های فرعی سازنده آن بیشتر مربوط به حوزه روانشناسی است. حسرت رسیدن به روزهای خوش و آرام، حسرت و ناتوانی در رسیدن به یک جامعه شاد، ترس از دست دادن عزیزان در حالی که نمی‌توان برای آنها کاری کرد و موارد دیگر، از این دست هستند. در این تم، تصاویر آینده بیشتر از آن که جولانگاه رسیدن به چیزهای نو و بدیع باشد، محلی برای جبران نداشته‌ها و جلوگیری از وقوع حوادث بد هستند.

پنجمین تم اصلی، «سایه جامعه» نام گرفت. این تم اصلی از دو تم فرعی «همه برابرند، جامعه برابرتر» و «تشکیل خانواده» ساخته شده است. این تم نشان دهنده نقش جامعه در ساخت تصاویر آینده است. ششمین تم اصلی، «حدس‌هایی درباره آینده» نام گرفت. بر خلاف تم‌های اصلی که تاکنون بررسی شد، این تم به عنوان یکی از تم‌های سازنده تصاویر آینده، خود حامل مسائلی درباره آینده است. به عبارت دیگر، در اینجا گزاره‌هایی داریم که مربوط به درگیری فکری مصاحبه‌شوندگان با آن چیزهایی بودند که در آینده اتفاق می‌افتد و نه در گذشته و حال. با این وجود این، تم حاضر نیز در حد پیش‌بینی‌ها و پیش‌گویی‌ها باقی ماند و به سمت آنچه واقعا مطلوب تصویرسازی از آینده است، پیش نرفت. در واقع، این تم نشان دهنده درگیری ذهنی جوانان با سوال «چه خواهد شد؟» و «چگونه می‌شود؟» است و با سوال «بهتر است چه بشود؟» یا گزاره «می‌خواهم کاری کنم که این یا آن بشود» که وجه کنشگری افراد را می‌سازند، ارتباطی ندارد.

هفتمین و آخرین تم اصلی، «فهم آینده» نام گرفت. این تم تنها از یک تم فرعی یعنی «نزدیک نه، ولی خیلی دور» تشکیل شد. مهمترین مسئله‌ای که این تم در بر می‌گیرد، اشاره به این نکته است که آینده از منظر مصاحبه‌شوندگان آن چیزی بود که در فاصله زمانی بسیار دوری از آنها قرار داشت. شناخت آنها از این آینده به مدد داستان‌های علمی تخیلی و چنین چیزهایی شکل می‌گرفت و آنها در ساخت آن هیچ نقشی نداشتند و حتی نگرانی از بابت آن هم حس نمی‌کردند.

روش تحلیل تم در حداقل خود، داده‌ها را سازمان‌دهی و در قالب جزئیات توصیف می‌کند. بر این اساس با توجه به متن مصاحبه‌ها، تلاش شد تا اطلاعات بر اساس موضوع، در دسته‌های معنادار طبقه‌بندی و برچسب‌زنی شوند. اگر این کار به درستی انجام شود، تحلیل تم می‌تواند صدها جمله بیان شده در مصاحبه را به چند تم - که مسائل و نگرش‌های پاسخ‌دهندگان را خلاصه می‌کند - کاهش دهد. بدین ترتیب، با توجه به محتوای ظاهری، مباحث مطرح شده در دسته‌های مفهومی - که عملاً نشان دهنده یک مفهوم مستقل هستند - کدگذاری شدند. اما یکی از نوآوری‌های پژوهش حاضر، استفاده متوالی از دوروش تحلیل تم و تحلیل لایه‌ای علی است. این ساختار مرکب، به پژوهشگران کمک می‌کند تا در مرحله اول داده‌ها را منظم، ساختاربخشی شده و دسته‌بندی کنند و در مرحله بعد، بر روی این داده‌های منظم شده که اکنون حکم اطلاعات پرارزشی را پیدا کرده‌اند، تحلیل‌های عمیق‌تری انجام دهند. خروجی‌های مرحله تحلیل لایه‌ای علی، قطعاً با ارزش‌تر از اطلاعات خواهند بود و به نوعی می‌توان آن‌ها را دانش و یا خرد و بینش^۱ دانست؛ دانشی که از تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده و خود منجر به سطوحی از خرد و بینش می‌شود. در ادامه، در هر لایه، به تحلیل داده‌های تحقیق پرداخته شده است.

تحلیل در لایه اول (لیتانی)

گفته شد که لایه اول در تحلیل لایه‌ای علی مربوط به آن چیزهایی است که بدون پرسش جدی در باره موضوع مورد نظر، از دید همگان در دسترس است. در واقع، این لایه ناظر بر عینی‌ترین و آشکارترین سطح تحلیل

۱. برای فهم تفاوت بین داده، اطلاعات، دانش و خرد می‌توان به متون علمی منتشر شده در زمینه مدیریت دانش رجوع کرد. این مراحل چهارگانه در مدیریت دانش به نوعی منطبق بر مراحل چهارگانه «داده، معنا، معرفت و اسطوره» در روش CLA هستند.

است. اما یک نکته جدی در طرح مسئله پژوهش حاضر آن است که این تحقیق بر روی تصاویر آینده انجام می‌گیرد. تصاویر آینده از باورها، آرزوها، عقاید و فرضیه‌هایی درباره آنچه آینده خواهد بود، تشکیل شده‌اند و در قالب امید، ترس و انتظارات بروز می‌کنند و بر تصمیم‌گیری، انتخاب، رفتار و کنش ما تأثیر می‌گذارند. بدین جهت در سطح لیتانی یک پرسش اساسی آن است که عینی‌ترین و جوه باورها، آرزوها و عقاید مربوط به آینده کدام‌اند؟ برای پاسخ به این سؤال، به بررسی تکرار شونده‌ترین تصاویر پرداخته شد.^۱ در سطح لیتانی تکرار شونده‌ترین تصاویر می‌آیند. پس از بررسی دوباره متن مصاحبه‌ها و مرور چندین باره آن‌ها موارد جدول زیر به عنوان پارامترهای سطح لیتانی استخراج گردیدند.

جدول ۲: تحلیل تصاویر در سطح لیتانی

ردیف	مؤلفه	برخی ابعاد مؤلفه
۱	خودمحوری	حلقه کوچک خانواده ^۲ ، آرمان خانه، آرزوهای شخصی، موفقیت‌های شخصی و ترس از دست دادن عزیزان
۲	مادی‌گرایی	موفقیت اقتصادی و استقلال مالی
۳	دنباله‌روی از جامعه	تحصیل، مهاجرت، تشکیل خانواده، پذیرفتن نقش پدر و یا مادر و نگرانی‌های همه‌گیر ^۳
۴	رودخانه جاری ^۴	فشار گذشته، برنامه‌های جاری و نیازهای ارضا نشده

همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، در سطح لیتانی، چهار مؤلفه ظاهر شده‌اند. این مؤلفه‌ها نتیجه مطالعه چندباره تم‌های اصلی و فرعی استخراج شده در مرحله تحلیل تم هستند. گفتنی است در هر چهار لایه، گاهی برای فهم بیشتر یک مؤلفه آن را در قالب یک استعاره شناختی بیان کرده‌ایم. برای مثال، مؤلفه «رودخانه جاری» اذعان جوانان به ناتوانی در تغییر مسیر زندگی‌شان است که مسیری از پیش تعیین شده به وسیله فشار گذشته، برنامه‌های جاری و نیازهای ارضا نشده است.

تحلیل در لایه دوم (علل اجتماعی)

در این لایه به این پرسش‌های اصلی پرداخته می‌شود که تصاویر رایجی که در سطح لیتانی ساخته شده‌اند، چه علل اجتماعی دارند؟ و چه کسی باعث ایجاد این تصاویر می‌شود؟ پس از بررسی داده‌های تحقیق و نیز با چاشنی مطالعات کتابخانه‌ای، پارامترهای این لایه در جدول ۳ خلاصه شده‌اند.

۱. با خالق روش CLA، پروفیسور سهیل عنایت‌اله برای بسط لایه‌های این روش در تحقیق حاضر به صورت ایمیلی مکاتبه و از نظرات ایشان استفاده شد.
 ۲. منظور از حلقه کوچک، خانواده و دوستان هستند که بیشترین وابستگی ما به آنهاست و بسیاری از رفتارها و برنامه‌ریزی‌های ما با تأیید آنها انجام می‌شود.
 ۳. به نظر می‌رسد که اعتبار یک نگرانی به این است که برای دیگران هم نگرانی باشد، گویی بدبختی‌ها و مصائب واگیر دارند.
 ۴. رودخانه را هل ندهید، خودش جاری است! (فریتز پرلز (Fritz Perls))

جدول ۳: تحلیل تصاویر در سطح علل اجتماعی

ردیف	مؤلفه	برخی ابعاد مؤلفه
۱	راننده‌شدگان ^۱	شانس کم برای تعامل با دیگران (ساختار)، انتظار نقش‌های کم (ساختار) و تصاویر مثبت شخصی و تصاویر منفی جمعی (عامل انسانی)
۲	شکاف طبقاتی	آرامش پولی ^۲ (عامل انسانی)، لذت مصرف (عامل انسانی)، ترویج روحیه مادی‌گرایی (ساختار)، اقتصاد دولتی (ساختار) و رانت دولتی (ساختار)
۳	آش خاله ^۳	هزینه تفاوت ^۴ (ساختار)، خواست حلقه کوچک (ساختار)، ناشکیبایی‌ها ^۵ (عامل انسانی)، جایگاه تاریخ در فرهنگ ایرانی (ساختار)، الگوهای گذشته در کنار فقدان الگوهایی برای آینده (ساختار)، هویت موروثی و هویت نقش‌ها در کنار فقدان هویت مقصد (ساختار)، فشار همسالان (ساختار)، فشار خانواده (ساختار) و عدم استقلال (عامل انسانی)
۴	جامعه کلنگی ^۶	عدم انباشت درازمدت تغییرات (ساختار)، ناتوانی در برنامه‌ریزی بلندمدت (عامل انسانی) و عدم آموزش آینده‌نگری در سطح خرد در جامعه (ساختار)

همان‌طور که در جدول ۳ نشان داده شده است، در سطح علل اجتماعی نیز چهار مولفه شناسایی شدند. این مولفه‌ها به ترتیب بیان‌کننده علت‌های اجتماعی مربوط به هر کدام از مولفه‌های سطح لیتانی هستند. برای مثال، اگر در سطح لیتانی به مولفه «خودمحوری» برخورد می‌کنیم در سطح علل اجتماعی مولفه «راننده‌شدگان» سازنده آن خواهد بود. اما برای جواب به این سوال که در این سطح چه کسی باعث ایجاد این مولفه می‌شود، ابعاد شناسایی شده هر مولفه در دو طبقه، دسته‌بندی شدند. سطح عاملیت و سطح ساختار^۷ این نکته نشان می‌دهد که هر علت در سطح اجتماعی می‌تواند از ساختار و یا عاملی انسانی نشأت بگیرد. در ادامه هر کدام از چهار مولفه و ابعاد سازنده آنها شرح داده شده‌اند.

مولفه راننده‌شدگان، بیان‌کننده علل اجتماعی خودمحوری در بین جوانان است. خودمحوری می‌تواند منشا فردی داشته باشد. برای مثال، تصاویر مثبت فردی و تصاویر منفی از جامعه، فرد را به سمت تقویت تصاویر مثبت سوق می‌دهد؛ بدین معنی که فرد با کوشش در راه هدف‌های شخصی خود و دوری از کوشش در راه هدف‌های جمعی به خودمحوری می‌رسد. در اینجا این علت از عاملیت خود فرد منشأ می‌گیرد، اما خود محوری می‌تواند ناشی از ساختار نیز باشد. بدین ترتیب که ساختار یعنی همان جامعه در مفهوم کلی خود، که شامل دولت و نهادهای سازنده‌ی آن نیز می‌شود، خواسته یا ناخواسته از فرد برای ایفای نقش‌های اجتماعی انتظاری ندارند و شانس کمی را برای فرد در جهت تعامل با دیگران ایجاد می‌کنند. این مسئله را می‌توان در

۱. جوانان از طرف جامعه طرد می‌شوند و در عمل هیچ نقشی به آنها داده نمی‌شود.
 ۲. کمابیش برای تمامی مصاحبه‌کنندگان چه آنهایی که از خانواده متمول و چه آنها که از خانواده‌های کم‌درآمد بودند، استقلال مالی یک هدف بود. آنکه متمول بود می‌خواست مانند خانواده‌اش موفق باشد و آنکه نادر بود، می‌خواست به خانواده‌اش کمک کند.
 ۳. برگرفته از ضرب‌المثل «آش کشک خالته؛ بخوری پاته، نخوری پاته»
 ۴. برای متفاوت بودن باید هزینه‌هایی پرداخت شود که اغلب ما حاضر به پرداخت آن نیستیم. پس همان کاری را می‌کنیم که دیگران کرده‌اند.
 ۵. معمولاً برای رسیدن به نتیجه عجول هستیم، در حالی که قدم‌گذاران در راه‌هایی که دیگران نرفته‌اند، صبر و حوصله می‌طلبند.
 ۶. این استعاره برگرفته از کتاب «ایران، جامعه کوتاه‌مدت» اثر محمدعلی همایون کاتوزیان است.
 ۷. این دسته‌بندی در سطح علل اجتماعی، یکی از نوآوری‌های تحقیق حاضر است.

مدرسه یا دانشگاه در نظر گرفت. تعداد کم انجمن‌های دانش‌آموزی و دانش‌جویی در مقابل تعداد بسیار زیاد کلاس‌های کنکور که موفقیت شخصی را ترویج می‌کنند، یکی از این موارد است. متأسفانه حتی بسیاری از تشکل‌های دانش‌آموزی و دانشجویی در مدرسه یا دانشگاه نیز عمده فعالیت‌شان برگزاری چنین کلاس‌هایی است. در سطح جامعه نیز تعداد کم سازمان‌های مردم‌نهاد و مشارکت‌پایین مردم در امور اجتماعی، نمونه‌هایی از این علت‌های نشأت گرفته از ساختار هستند که خودمحوری را باعث می‌شوند.

مؤلفه دوم در سطح علل اجتماعی، «شکاف طبقاتی» است که منجر به بروز مؤلفه «مادی‌گرایی» در سطح لیتانی می‌گردد. در این سطح نیز هم عاملیت و هم ساختار نقش دارند. آرامشی که در سایه پول ایجاد می‌شود و لذتی که از مصرف‌گرایی حاصل می‌گردد، ابعادی هستند که از عاملیت فردی بروز می‌کنند و ترویج فرهنگ مادی‌گرایی، اقتصاد دولتی و به تبع آن رانت دولتی، پارامترهای ساختاری هستند که به مادی‌گرایی در بین جوانان دامن می‌زنند.

مؤلفه بعدی «آش‌خاله» مؤلفه‌ای است استعاری که مجموع علل اجتماعی که منجر به بروز مؤلفه «دنباله روی از جامعه» در سطح لیتانی می‌شوند را در خود جای داده است. اولین بُعد مشخص از این مؤلفه، هزینه تفاوت است. این بعد ساختاری از آنجا ناشی می‌شود که دنباله روی نکردن از گروه در سطح خرد و جامعه در سطح کلان، باعث می‌شود که این ساختارها هزینه‌هایی را به شما تحمیل کنند که اکثریت مردم از زیر پذیرفتن این هزینه‌ها شانه خالی کرده و لذا دنباله روی را بر قدم گذاشتن در راه‌های جدید و ناشناخته ترجیح می‌دهند. همچنین خواست حلقه کوچک اطرافیان اعم از خانواده و دوستان نزدیک، یک عامل ساختاری دیگر است که منجر به بروز تقلید و دنباله روی می‌شود. فشار همسالان و خانواده نیز جوانان را وادار به دنباله روی می‌کند.

در یک جامعه ناسالم، سالم زیستن هزینه بر است. لذا ساختار و نهادهای آن شما را وادار به هم‌رنگ شدن می‌کنند. دو عامل ساختاری دیگر نیز در سطح علل اجتماعی بر دنباله‌روی تأثیرگذارند. اولین مورد جایگاهی است که تاریخ در ذهن و زندگی جامعه ایرانی دارد که تاریخ را به عاملی مهم در مشخص کردن مسیر پیش رو تبدیل می‌کند و دوم فقدان الگوهایی برای زیست در آینده. برای مثال، ما الگوهای زیادی از گذشتگان داریم که می‌توانیم به آنها تبدیل شویم. این الگوها معمولاً مردانی هستند در هیئت دانشمندان، عالمان دینی و وطن پرستان بزرگ که منشا خیر و برکت بوده‌اند، اما الگوها یا قهرمانانی که جایی در آینده زیست می‌کنند و جوانان بخواهند به آنها تبدیل شوند، در فرهنگ ما وجود ندارند. برای مثال، آیا در میان فیلم‌های ایرانی، فیلمی وجود دارد که قهرمان آن یک ایرانی باشد که در سال ۱۴۲۰ هجری - شمسی به دنبال نجات جهان از یک فاجعه باشد؟ جواب این سوال تا آنجا که محقق بررسی کرده، خیر است.

مؤلفه ساختاری دیگر، یک بحث جدی در هویت اجتماعی است. بحث اصلی در این است که هویت می‌تواند علاوه بر مؤلفه‌های تاریخی، مؤلفه‌های مربوط به تصاویر مشترک را نیز شامل شود. چه چیزی از یک آینده اتفاق نیفتاده ممکن است بین افراد یک جامعه مشترک باشد؟ اگر بتوانیم پاسخی منطقی برای این سوال بیابیم، به اعتبار «مشترک» بودن، می‌توان از آن به منزله مؤلفه‌ای هویت‌ساز در سطح جمعی نام برد. تصاویر آینده، آن و جوهری از آینده را بازنمایی می‌کنند که می‌توانند به صورت مشترک تعریف شوند. این تصاویر

می‌توانند با یکدیگر بر سر «تصاحب آینده» رقابت کنند و تا حد زیادی، بین باورمندان به خود (تصاویر مذکور) انسجام و چسبندگی ایجاد کنند. برای مثال، در سطح سازمانی، تصاویر آینده از سازمان که معمولاً از طرف مدیران تعیین می‌شوند و به کارکنان در کل سازمان القا می‌گردند، در صورت پذیرش می‌توانند به عنوان نیروی پیش‌ران سازمان عمل کنند. این تصاویر باعث می‌شوند تا همه کارکنان از قومیت‌ها، ملیت‌ها، مذاهب و نژادهای گوناگون به منظور رسیدن به یک هدف مشترک که تصویری از آن برای آنها ساخته شده است، حرکت کنند. این مسئله در سطح ملی، در تصاویر آرمان شهری و برنامه‌های چشم انداز متجلی می‌گردد.

رویای فردی، چیزی جز خیال نیست، اما آن هنگام که رویا جمعی می‌شود، دیگر به واقعیت بدل خواهد شد. اتویپا یا آرمان شهر که در واقع نوعی واکنش به وضع موجود است، بر مبنای فلسفه «زمانی بهتر از زمان کنونی» استوار است که بر تصور آینده‌های دلخواه متمرکز است. بر این مبنای می‌توان تعریفی از هویت ارائه نمود که بر مبنای تصاویر مشترک جمعی از آینده شکل می‌گیرد. این پژوهش، این هویت را «هویت مقصد» می‌نامد؛ هویتی که وجه مشترک افراد واجد آن، یک تصویر مشترک از آینده است. بنابر نظر خبرگان، هویت مقصد به دو دلیل می‌تواند در فرایند مدیریت جامعه، ملت‌سازی و رهبری جامعه بهتر از گونه‌های دیگر هویت عمل کند: اول به دلیل سازگاری بیشتر با تغییرات سریع در جوامع امروزی و دوم به علت امکان مشارکت دادن جامعه بخصوص جوانان در ساخت آن. هویت مقصد بر خلاف هویت‌های موروثی و هویت حاصل از نقش‌ها، «آش خاله» نیست، بلکه «آشی» است که با مشارکت آگاهانه همه اقشار جامعه ساخته شده است.

در نهایت مولفه «آش خاله»، دو بعد مربوط به عامل انسانی را نیز شامل می‌شود: اولین بعد، «ناشکیبایی‌ها» نام گرفته است و مربوط به روحیات ماست که معمولاً به دنبال کارهای زودبازده هستیم و صبر و شکیبایی لازم برای به انجام رسانیدن کارهای متفاوت را نداریم؛ دومین مولفه، «عدم استقلال جوانان» است. در نگاه اول شاید این عدم استقلال به ساختار برگردد، اما نمی‌توان به صورت کامل عنصر اختیار را از عامل انسانی گرفت و تمامی فشار را متوجه ساختار کرد. به هر حال مستقل بودن برای بسیاری از جوانان طاق فرساست و لذا برای نزدیک ماندن در کنار حلقه کوچک خود، استقلال را فدا می‌کنند.

آخرین مولفه در سطح علل اجتماعی، «جامعه کلنگی» است که باعث بروز مولفه «رودخانه‌ی جاری» در سطح لیتانی می‌گردد. عدم آموزش آینده‌نگری در سطوح مختلف جامعه مانند مدارس، دانشگاه‌ها و در بین اعضای مجموعه‌های مختلف نهادها و نیز عدم انباشت درازمدت تغییرات، ابعاد ساختاری این مولفه هستند. ساختارهای جامعه کنونی قادر به نگه داشتن تغییرات در جامعه نیستند و لذا جامعه مدام در حال نگاه کردن به پشت سر و مرور مسیرهای رفته است. هیچ نگاه کلانی در سطح جامعه به آینده نیست و مدام در حال تفسیر گذشته و انکار یا قبول آن هستیم. بدین ترتیب، عامل انسانی قادر به رویاپردازی برای بلندمدت نیست، چون اولاً، ساختار او را برای این کار آموزش نداده است؛ ثانیاً، برنامه‌ریزی بلندمدت به دلیل عدم انباشت درازمدت تغییرات کاری بیهوده جلوه می‌کند.

تحلیل در لایه سوم (گفتمان / جهان بینی / ایدئولوژی)

«دیدن دنیای پیرامون با چشم های دیگر بسیار دشوار است و حتی ناممکن، زیرا ما به معنای واقعی کلمه محصول فرهنگ هایمان هستیم.» (بارسلونا، ۱۳۹۰)

در این لایه به طرح این پرسش می پردازیم که کدام جهان بینی، کدام ایدئولوژی و کدام گفتمان غالب در جامعه کنونی جاری و ساری اند که باعث می شوند چنان مسائل اجتماعی سر برآوردند و در جهت آن ها به آن چنان تصاویر غالبی در سطح لیتانی برسیم. نتایج تحلیل در لایه سوم در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: تحلیل تصاویر در سطح گفتمان، جهان بینی و ایدئولوژی

ردیف	مؤلفه	برخی ابعاد مؤلفه
۱	شکاف دولت- ملت / فرد- جامعه	حکومت همه چیزدان، ولایت تمام عیار حاکمان بر مردمان
۲	عاقبت به خیران ^۱	اسلام سرمایه داری، الگوهای توسعه ی مبتنی بر نظام سرمایه داری
۳	چشمان باز کاملاً بسته ^۲	ایدئولوژی به عنوان چسب اجتماعی، عُرف، حرکت گله ای، الگوهای در گذشته، سلبریتی ها ^۳ ، پاسداشت و پرستش گذشته
۴	آینده بدون های چسبان ^۴	عدم فرایندگرایی، جهان بینی خیامی ^۵

در ادامه به مولفه های استخراج شده در سطح سوم CLA پراخته شده است. اولین مولفه «شکاف دولت - ملت / فرد - جامعه» نام گرفته است. این مولفه در سطح اجتماعی باعث رانده شدگی و در سطح لیتانی موجب بروز خودمحموری می شود. حکومت هایی که خود را تافته ای جدا بافته از مردم می پندارند و مردمی که جامعه را چیزی جدای از خود می دانند، دو شکاف عمده هستند که فردیت را گسترش می دهند، خواسته های فردی را بر خواسته های جمعی برتری می بخشند و نفع شخصی را در جایگاهی بالاتر از نفع جمعی قرار می دهند.

دومین مولفه یعنی «عاقبت به خیران» نماینده گفتمان ها و جهان بینی هایی است که منجر به شکاف طبقاتی در سطح علل اجتماعی و مادی گرایی در سطح لیتانی می شوند. مهمترین رکن این مولفه، گفتمان غالب نظام سرمایه داری در برنامه های توسعه کشور است که تمامی برنامه ریزی های اقتصادی در سطح کلان و خرد در چارچوب این گفتمان یا جهان بینی انجام می شود.

سومین مولفه یعنی «چشم های باز کاملاً بسته» منجر به دنباله روی فرد از جامعه و بروز حرکت های توده ای می شود. جهان بینی غالب در این سطح مروج حرکت توده ای، دنباله روی از دیگران و تقلید از سلبریتی ها

۱. این واژه از یک عبارت ضرب المثل گونه مورد استفاده در نواحی غرب اصفهان به عاریت گرفته شده است. عاقبت به خیر کسی است که به لحاظ مالی به سرسامان رسیده است.

۲. فردی را تصور کنید که در خوابی عمیق به سر می برد، اما بر روی پلک های خود یک چشم باز را نقاشی کرده است.

۳. سلبریتی به اشخاص مشهور و محبوب در هر جامعه ای گفته می شود که طرفداران بسیار زیادی دارند؛ از جمله: هنرمندان، بازیگران، خواننده ها، فوتبالیست ها و غیره.

۴. اعتقاد به یک آینده (آنها) که دیگران برای ما تعیین کرده اند) و نه آینده ها.

۵. فرهنگ ما مملو از عناصر خیامی است؛ اولویت دادن به لحظه اکنون و لذت های زودگذر، پوچ گرایی و بستن چشمان به روی آینده.

است. در این گفتمان هیچ آینده بدیلی در ذهن جامعه شکل نمی‌گیرد و ایدئولوژی غالب در جامعه، عُرف، الگوهای گذشته و حرکت توده‌ای را به جامعه تحمیل می‌کند.

چهارمین مولفه در سطح جهان بینی و گفتمان «آینده بدون‌های چسبان» نام گرفته است که سازنده مولفه «جامعه کلنگی» در سطح علل اجتماعی و «رودخانه جاری» در سطح لیتانی است. این دیدگاه از دل جهان بینی تقدیرگرایانه بروز یافته که در آن، آینده همانی است که در گذشته برایمان معین شده است و از آن گریزی نیست. لذا فرو رفتن در روزمرگی، کنار نهادن خردگرایی و به خواب زدن خود، آن مسائلی هستند که از دل جهان بینی تقدیرگرایی یا جهان بینی خیامی بروز می‌کند.

تحلیل در لایه چهارم (اسطوره / استعاره)

جدول ۵: تحلیل تصاویر در سطح اسطوره / استعاره

ردیف	مؤلفه	برخی ابعاد مؤلفه
۱	فقط خودم ^۱	استعاره این زندگی‌منه ^۲ ، کهن الگوی شهریاری (چه فرمان یزدان چه فرمان شاه)
۲	ثروت اندوزی	استعاره پایین شهر - بالای شهر، استعاره آفازاده‌های لاکچری
۳	فرومون ^۳	کهن الگوی نقاب ^۴ (خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو)، استعاره کلونی، پاسداشت جامعه در تقلید و نبود کهن الگوی قهرمان
۴	آینده همین امروز است	استعاره گذشته چراغ راه آینده است، استعاره زندگی درک همین اکنون است، استعاره بی خیالی طی کن

آخرین لایه در تحلیل لایه‌ای علی، سطح استعاره‌ها و اسطوره‌هاست که به عنوان عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین سطح، جایگاه بیان احساسات است. البته همه مسئله در این سطح با بیان اینکه این لایه جایگاه احساسات است، حل نخواهد شد. پیچیدگی این لایه از چند منظر قابل تامل است. اول آنکه احساسات وقتی به صورت جمعی مدنظر قرار گیرند، پای محقق را به حوزه روانکاوی اجتماعی و بررسی ناخودآگاه جمعی باز می‌کند که حوزه‌ای پیچیده و بحث برانگیز است و دوم آنکه هر دو واژه «اسطوره» و «استعاره» خود پیچیده و چند بعدی هستند. بازه تعریف اسطوره از یک خیال‌واهی تا نوعی گفتار و بازه تعریف استعاره از یک آرایه ادبی تا توانایی شناختی منحصر به فرد ذهن انسان، گسترده‌اند. هیچ کدام از این تعاریف اشتباه نیستند، بلکه در سنت‌های پژوهشی مختلف کاربرد خود را دارند. برای مثال در بین اهل هنر، اسطوره بیش‌تر از آنکه جنبه‌هایی از واقعیت را داشته باشد، حامل معنا و مفهومی برابر با وهم، خیال، قدرت ماوراء الطبیعه و این قبیل چیزهاست که در پس پشت خود معنایی را می‌رساند یا نمی‌رساند. اما در اسطوره‌شناسی رولان بارت^۴، اسطوره نوعی گفتار است و لذا هر چیزی می‌تواند اسطوره باشد به شرط آنکه گفتمانی را انتقال دهد. بنابراین موضوعات اسطوره‌ای را

۱. برگرفته از یک ماشین نوشته (نوشته‌های پشت ماشین‌ها)

۲. زندگی‌منه... بهم نگو چی خوبه چی بده / زندگی مال منه... خودم می‌دونم چی بهتره / هر جور می‌خواد... می‌خوام بگذره (برگرفته از ترانه زندگی منه از گروه رپ زدبازی)
 ۳. در کلونی مورچگان اتفاق جالبی در فرایند جستجوی غذا می‌افتد. بدین صورت که مسیرهای بهینه‌ای که به غذا می‌رسند، به دلیل اینکه مقدار بیشتری از فرومون (Pheromone) را در خود دارند بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. حرکت کلونی وار جوانان در جامعه نیز چنین حالتی دارد.

4. Roland Barthes

نمی‌توان بر مبنای جوهر آن‌ها از یکدیگر تمیز داد^۱. در این پژوهش از تعریف رولان بارت از اسطوره استفاده شده است.

مفهوم اول در این لایه «فقط خودم» نام گذاری است که شامل استعاره «زندگیه منه» و کهن الگوی شهر یاری می‌شود. استعاره «زندگیه منه» ناظر بر متعلق دانستن زندگی به فرد است که این مالکیت تمام عیار به او اجازه می‌دهد که هر جور که خواست زندگی را بگذرانند. در اینجا زندگی به یک وسیله مفهوم زمان توصیف می‌شود که وجوه گذراندن را شامل می‌شود و کنترل بر این گذراندن در دست شخص است. از سوی دیگر، نظام فکری سیاسی ایرانی با گرفتار شدن در قالب اندیشه اساطیری «شهریاری» و در نتیجه گرفتار شدن در چارچوب نظام حکومتی خاصی، در طول تاریخ به حرکت خود ادامه داده است. شخصیت‌های حکومتی در ایران با خصوصیات و ویژگی‌های مختلف و گاه شاید متضاد، برای مردم به یک نحو حامل عناصر خودکامگی بوده‌اند، زیرا کهن الگوی نظامی سیاسی و پادشاهی تعیین کننده‌ی آن بوده‌نه و ویژگی‌های افراد و مهره‌های حکومتی هیچ‌گاه خارج از آن، قدرت حرکت را نخواهند داشت. به این ترتیب جایگاه تاریخی شهر یاری با رعایت شرایط زمانی خاص هر دوره، تفاوتی با الگوی اسطوره‌ای خود نشان نمی‌دهد و شکوه نیک خواهی و حمایت خداگونه نخستین شهر یار از مردم زمانه خویش به تدریج جای خود را به سلطه همه جانبه و اقتداری مستبدانه می‌دهد.

مولفه دوم «ثروت اندوزی» نام گرفت. در این مولفه نیز دو استعاره «پایین شهر و بالای شهر» و «آقازاده‌های لاکچری» مشهود هستند. بیان شکاف طبقاتی در استعاره بالا و پایین شهر و بیان جایگاه مرفهین در استعاره آقازاده نشان می‌دهند که چگونه در سطح چهارم، استعاره‌ها و اسطوره‌ها به ثروت اندوزی مشروعیت و مقبولیت می‌بخشند و آن را توجیه می‌کنند.

مولفه سوم، «فرمون» شامل کهن الگوی نقاب است که در آن انسان برای ایجاد هم‌رنگی، شخصیت واقعی خود را در زیر نقاب پنهان می‌کند. از سوی دیگر، در این لایه فقدان وجود کهن الگوی قهرمان هویدا است. قهرمانی که از جامعه و روندهای موجود در آن جدا شده، راه دیگری در پیش بگیرد و سرانجام با بازگشت به دامان جامعه، برای خود و جامعه‌اش منشأ خیر و برکت شود. در این لایه از استعاره «کلونی» نیز نام برده می‌شود. این استعاره، معرف زندگی توده‌ای و گله‌وار مردم در جامعه است که چه راه خیر و چه راه شر، در هر صورتی دنباله روی دیگران هستند و تقلیدشان آنها را بر باد خواهد داد^۲. آخرین مولفه در لایه استعاره‌ها و اسطوره‌ها، «آینده همین امروز است» نام گذاری شده و شامل استعاره‌های «گذشته چراغ راه آینده است»، «زندگی درک همین امروز است» و «بی خیالی طی کردن» است که مسیر زمانی را بر مسیر مکانی نگاشت می‌کنند و با نام بردن از کلمه «راه» به جای اشاره به «راه‌ها»، نظام استعاری را می‌سازند که در لایه جهان بینی‌ها مولفه «آینده بدون‌های چسبان» را نتیجه می‌دهد.

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد اسطوره شناسی رولان بارت رت: بارت، رولان (۱۳۷۷) و اسطوره در زمان حاضر، ترجمه یوسف اباذری، فصلنامه ارغنون، شماره ۱۸، اندیشه‌های بارت در باب اسطوره بسیار پر محتوا و آموزنده هستند.

۲. خلق را تقلیدشان بر باد داد ای دودست لعنت بر این تقلید باد (مولانا)

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در تلاش برای شناخت مولفه‌های شکل دهنده به تصاویر آینده در ذهن جوانان کشور بود. تلاشی که نشان داد اگر جواب مصاحبه شونده‌ها همچون تکه‌های پازل در کنار یکدیگر قرار گیرند، یک نتیجه جالب توجه به دست می‌آید. در حالی که نمونه آماری در تشریح جایگاه شغلی خود، بر مشاغل عصر صنعتی مانند کارخانه‌داری، فعالیت در یک کارخانه و یا دانشگاه اشاره داشتند، اما نگرانی‌های عمده آنها بخصوص در مورد زندگی کودکانشان بیشتر مربوط به فضای عصر پسا صنعتی و دوران فناوری اطلاعات است. تصاویر خوش بینانه آینده شخصی آنها هنوز بر اساس نمونه‌های زندگی خوب و موفق، نمونه مدرنیته و اساس جامعه صنعتی بنا شده‌اند. این تصویر از اساس ماده‌گرایانه است. برای مثال، در نزد آنها شادی به عنوان نتیجه رفاه اقتصادی و موفقیت در زندگی کاری تلقی می‌شود. در همان زمان، تصاویر گیج کننده از آینده‌ای که دوران جوانی فرزندان آنهاست، بر اساس ویژگی‌ها، پدیده‌ها و نمونه‌های فکری جامعه اطلاعاتی بنا نهاده شده است. تصاویر جوانان جامعه منعکس کننده نیازها و ایده‌آل‌های جامعه صنعتی و مدرن است. هرچند وقتی با پدیده‌های جامعه اطلاعاتی مانند شبکه‌های اجتماعی گسترده، مواجه می‌شوند، ممکن است بی‌اختیار ترس‌ها و دل‌نگرانی‌های موجود را تقویت کنند یا حتی ترس‌ها و هیجانات جدیدی بسازند.

بدین جهت در این جا نظریه‌ای با استعاره «جامعه یک بام و دو هوا» ارائه می‌شود. جامعه کنونی ما در واقع در دو هوا نفس می‌کشد. هوای دوران مدرن ناشی از انقلاب صنعتی و هوای دوران در حال فراگیر شدن فراصنعت. در حالی که پای جوانان در گل عصر صنعتی مانده است و به فراخور همین وابستگی، تصاویری که برای خود از آینده می‌سازند رنگ و بوی عصر صنعتی با مشخص‌هایی همچون کار در کارخانه‌ها و دانشگاه‌ها را دارد، با هیجان و ترس از وقوع عصر فراصنعت با مشخصه‌هایی مانند شبکه‌های اجتماعی گسترده و تلویزون شخصی و اثر آنها بر روی شخصیت نسل‌های آینده صحبت می‌کنند. بنابراین در حالی که تصاویری که برای خود می‌سازند بر اساس گذشته و حال خودشان است، آینده‌ای را متصورند که به نظر هیچ ارتباطی با آنها ندارد و در صورتی نگران آن خواهند شد که به وقتش سراغ آنها هم بیاید. برای مثال، وقتی به آن فکر خواهند کرد که کودکانشان در آن هوا نفس بکشند و پدران و مادران عصر صنعتی خود را با چالش‌های جدید مواجه سازند. در این پژوهش این فضای دو بعدی با اصطلاح «جامعه یک بام و دو هوا» توصیف شد. ذیل نظریه جامعه یک بام و دو هوا، دو فرضیه پژوهشی جهت آزمون در مطالعات بعدی، ارائه می‌گردد:

فرضیه اول: تصاویر آینده از یک بازه زمانی، وقتی در ذهن عامه مردم شکل می‌گیرند که جامعه وارد آن دوران شده باشد.

فرضیه دوم: جوانان جامعه ایران تصویر درستی از عصر فراصنعتی ندارند.

در نهایت به منظور داشتن دید بهتر نسبت به نتایج این پژوهش، در ادامه تصاویر استخراج شده در این تحقیق، در چارچوب پست^۱ دسته بندی شده‌اند. در اینجا نیز در هر دسته، یک استعاره گویا به کار برده شده است.

1. PEST (Political, Economic, Social and Technological)

جدول ۶: دسته بندی تصاویر در قالب چارچوب پست

استعاره مشخص کننده	دسته بندی چهارگانه PEST
انفعال و عدم دخالت	تصاویر آینده از منظر سیاسی
بدبود روندها	تصاویر آینده از منظر اقتصادی
ادامه روند کنونی	تصاویر آینده از منظر اجتماعی
رشد مستمر	تصاویر آینده از منظر فناورانه

پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی

تحقیقات کیفی به فرضیات پژوهشی و در نهایت به نظریه منجر می شوند. هدف تحقیق حاضر نیز شناسایی ایده های اولیه و عمیق برای توسعه الگوهای نظری برای تحقیقات تجربی آتی در زمینه تصاویر آینده بود. لذا باید بر اساس نتایج این تحقیق بتوان ایده هایی را شناسایی کرد که برای انجام تحقیقات کمی با نمونه های آماری بزرگ با رویکرد تست نظریه، مورد استفاده قرار گیرد. در ادامه پیشنهاداتی به عنوان ایده های پژوهشی مطرح شده است:

- بررسی کلان روندهای تاریخی ایران به منظور بررسی تصاویر ممکن و محتمل پیش روی جامعه؛
 - بررسی تصاویر آینده در نسل های مختلف؛
 - بررسی تصاویر آینده در بین حاکمان جامعه؛
 - بررسی مقایسه ای تصاویر آینده در بین مردان و زنان؛
 - بررسی نقش سطح تحصیلات بر روی تصاویر آینده جوانان.
- در نهایت باید این نکته را در نظر گرفت که نتایج این پژوهش قابل تعمیم نیستند. در واقع باید فرضیات این پژوهش در تحقیقات بعدی با ماهیت کمی مورد آزمون قرار گیرند.

منابع

- استراوس، انسلم و کرین، جولیت. (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ابراهیم افشار. چاپ چهارم، تهران: نشر نی
- بارسلونا، آنتونیو. (۱۳۹۰). استعاره و مجاز با رویکردی شناختی. فرزانه سجودی. تهران: انتشارات نقش جهان
- بل، وندل. (۱۳۹۲). مبانی آینده پژوهی. مصطفی تقوی و محسن محقق. جلد اول، تهران: انتشارات موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی
- رضاییان قیه باشی، احد و کاظمی، معصومه. (۱۳۹۳). «تصویرپردازی و کلان تصاویر آینده سیاست جهانی؛ تصویرپردازی روشی مناسب برای شناخت آینده در جهان پیچیده». فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی. دوره ۶، شماره ۳، صفحات ۱۷۳ تا ۲۰۰.
- دمنه؛ طاهری، محسن؛ پورعزت، علی اصغر و ذوالفقارزاده، محمد مهدی. (۱۳۹۴). «تأملی در مفهوم تصاویر آینده به مثابه ساخت هویت اجتماعی». مطالعات ملی. سال ۱۶. شماره ۴. صص ۷۶-۶۱.
- Aligica, P. D. (2011). "A critical realist image of the future Wendell Bell's contribution to the foundations of futures studies?" *Futures*, 617-610, (6)43.
- Bell, W. (1997). **Foundations of Futures Studies: Human Science for a New Era**. vol. I: History, Purposes, and Knowledge, Transaction Publishers, New Brunswick
- Boulding, K. (1956). **The image: Knowledge in life and society**. University of Michigan Press, Ann Arbor
- Dator, J. (1998). "Introduction: The Future Lies Behind! Thirty Years of Teaching Futures Studies?" *American Behavioural Scientist*, 319-298, (3) 42.
- Demneh, M. T., & Morgan, D. R. (2018). "Destination identity: Futures images as social identity?" *Journal of Futures Studies*, 64-51, (3)22.
- Hoffman, Jeanne. (2014). "Alternative images of china in 2035: A case study of tamkang university workshops?" *journal of futures studies*, 1)19, pp 34 - 13.
- Inayatullah, Sohail. (2007). **The causal layered analysis (CLA) reader theory and case studies of an integrative and transformative methodology**. Tapei, Tamkang University Press, December 2004.
- Jouvenel, B. de. (1967). **The art of conjecture**. New York: Basic Books
- Kaboli, S. A. & Tapio, P. (2017). "How late-modern nomads imagine tomorrow? A Causal Layered Analysis practice to explore the images of the future of young adults?" *Futures*, 43-32, 96.
- Lakoff, George. (1993). "The contemporary theory of metaphor, In Geeraerts?"

Dirk (Ed.). (2006) *Cognitive linguistics: basic readings (Cognitive linguistics research; 34)*. Mouton de Gruyter Berlin, New York, pp. 238-185.

- Morgan, Dennis. (2002). **“images of the future: a historical perspective”** futures, vol. 34, pp 893 – 883.
- Morgan, Dennis. (2003). **“Image of the future: a historical perspective”** Futures, 34, pp.893 – 883.
- Morgan, Dennis. (2012). **“Postmodern prospects for a non-killing world: Towards an image of anon killing future”** Futures, 44, PP.904–893.
- Morgan, Dennis. (2015). **“The dialectic of utopian images of the future within the idea of progress”** futures, vol. 66, pp 119 – 106.
- Ono, R. (2003). **“Learning from young people’s image of the future: A case study in Taiwan and the US”** Futures, 758–737 ,(7)35.
- Ono, R. (2005). **“Societal factors impacting on images of the future of youth in Japan”** Journal of Futures Studies, 74–61 ,(4)9.
- Polak, F. (1973). **The Images of the Future**. Jossey-Bass, Inc., San Francisco.
- Rubin, A. (2013). **“Hidden, inconsistent, and influential: Images of the future in changing times”** Futures, 44–38 ,45.
- Slaughter, R. A. (1991). **“Changing Images of 20Th Century**. Futures, (June), –499 515.
- Son, H. (2013). **“Images of the future in south Korea”** Futures, 11–1 ,52.
- Wuellner, Cynthia frewen. (2011). **“beyond economic and value wars: mythic images of the future cities”** futures, volume. 43, issue.7, pp.672-662.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی